



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۲۵ می ۲۰۲۳

ف، هیرمند

نگاتی در بحث آب دریای هلمند (هیرمند)

موضوع آب دریای هیرمند بیشتر از ۱۵۰ سال است که از جانب ایران به حیث یک مسئله مطرح شده و به این بهانه هر از گاهی افغانستان را به قطع و انقطاع آب متهم نموده است، به همین جهت در اوایل دهه ۵۰ هجری شمسی حکومت وقت افغانستان، به هدف جلوگیری از بروز جنجال بیشتر میان دو کشور در صدد اقدام به راه حل اصولی و حقوقی در این زمینه شد؛ هر دو طرف بعد از مطالعات و دید و بازدید های پیهم قراردادی را تحت عنوان "معاهده بین افغانستان و ایران راجع به آب رود هلمند (هیرمند) در ۱۲ ماده به تاریخ ۲۲ حوت ۱۳۵۱ ه ش مطابق ۱۳ مارچ ۱۹۷۳ م توسط صدراعظم آن هر دو کشور به امضاء رساندند.

نخست نگاه مختصر به برخی از مواد معاهده مورد نظر انداخته می شود:

مواد چهارم و یازدهم از خشک سالی به سبب علل مجبره (فورس ماژور) "la force majeure" تذکر داده که به صراحت از وجود و بروز خشک سالی و اثر آن بالای اندازه و مقدار آب دریای هلمند در آنها مشعر می باشد.

در ماده پنج معاهده از اصطلاح حقابه نام برده شده است؛ حتی در مفهوم خیلی ساده و عرفی حقابه از لحاظ کمی ثابت و نا متغیر نمی باشد، بلکه حقابه نیز تابع اندازه آبی است که از سر چشمه جولان میکند و منوط به اوضاع، حالات، فصل ها و علل دیگر، مثلاً بارندگی خواهد بود.

در معاهده نااثبات بودن آب به وضاحت تذکر رفته و به همین جهت اندازه آب در فصول جداگانه با ارقام متفاوت در نظر گرفته شده و از کاهش آب نیز به صراحت یاد شده است.

ماده پنجم: «افغانستان موافقت دارد اقدامی نکند که ایران را از حقابه آن از رود هلمند که مطابق احکام مندرج مواد دوم و سوم و چهارم این معاهده تثبیت شده است بعضاً و یا کلاً محروم سازد.

افغانستان با حفظ تمام حقوق بر باقی آب رود هلمند هر طوریکه خواسته باشد از آن استفاده می نماید و آنرا به مصرف می رساند. ایران هیچگونه ادعای بر آب هلمند (هیرمند) بیشتر از مفادیریکه تثبیت

شده است ندارد حتی اگر مقادیر آب بیشتر در دلتای سفلی هلمند (هیرمند) میسر هم باشد و مورد استفاده ایران هم بتواند قرار گیرد.»

ماده پنجم را هر دو جانب معاهده جهت اثبات حق شان مورد استناد قرار میدهند، آنچه برای افغانستان مهم است که بر اساس این ماده - به غیر از همان مقدار آب مندرج در مواد قرار داد، کدام اندازه دیگر آب به ایران تحویل نمی دهد و نیز نوع استفاده آب، مربوط به خود افغان ها بوده و طرف افغانستان در این زمینه کاملاً مختار می باشد که از آب های متعلق به خودش چه استفاده ای به عمل می آورد.

رود هیرمند به یک وضعیتی قرار گرفته که به دشواری و تردید بتوان به آن تعریف "رود بین المللی" را داد و نیز دشوار خواهد بود به آن عنوان "رود مرزی" را گذاشت، زیرا رود های بین المللی و مرزی در حقوق بین الملل عمومی تعاریف خاص خود را دارند، "دریای متوالی" اسمی است که جناب "فردوس" آنرا برای رود هیرمند به کار برده است.

برخی از کارشناسان ایرانی سعی بر آن داشته اند تا با تثبیت یک هویت بالای دریای هلمند، خویش را ذیحق بی چون چرا در آب هلمند تعیین موقعیت نمایند. حال هر عنوانی که به دریای هیرمند داده شود، چون تمام موارد و اندازه آب جانب ایرانی در معاهده مربوط تعهد شده است، هیچ اثری برای تغییر وضعیت نه خواهد داشت. محترمه اعظم بهرامی کارشناس زیست محیطی ایرانی، سعی بر آن داشت تا برای اثبات حق جانب ایران به "هویت باستانی" دریای هلمند تمسک بجوید، این هویت اخیر در موارد خاص و استثنائی ممکن است ندرتاً مورد استناد قرار بگیرد، اما در مورد حقوق یک کشور دیگر چنین استنادی، تمام ثبات حالات متعدد داشته های مادی و معنوی ممالک را که دیروز یک وابستگی داشتند و امروز موقعیت دیگری را دارا هستند، همه را برهم خواهد زد، هویت باستانی نمی تواند متکای برای توجیه حقوق ایران قرار بگیرد.

در این مورد ماده دهم معاهده چنین حکمی را پیشکش میکند:

« افغانستان و ایران قبول دارند که این معاهده ممثل (بیانگر) موافقت کامل و دایمی دولتین می باشد و احکام این معاهده محض و صرفاً در داخل حدود محتویات آن اعتبار دارد و تابع هیچ یک اصل (پرنسپ) یا سابقه، موجود و آینده نمی باشد.»

منظور اساسی این ماده چنین است که احکام آن دایمی بوده و محتویات آن در سایه اصول دیگر تفسیر ناپذیر خواهد بود، هر تعبیر و معنی فقط از محتوای معاهده گرفته شده و اعتبار خواهد داشت،

با این توضیح که اثرات محیط زیستی (خشک سالی، کاهش آب و کاهش بارندگی و...) در مواد چهارم و یازدهم معاهده کاملاً صراحت داده شده است.

«کنوانسیون ۱۹۹۷ ملل متحد از آبراه ها (معبراهای آبی) تعریفی ارائه کرده، یعنی: "بهره برداری غیرکشتی رانی از معابر آبهای بین المللی". ماده سوم این کنوانسیون به کشورها اجازه میدهد که دولتها اصولی را که قبلاً روی آن توافق کرده باشند، میتوانند اجراء کنند. همچنین ماده پنجم این کنوانسیون اصطلاح "منصفانه و معقولانه" را یاد آور شده که در ماده ششم معیارهایی را مشخص میکند که منصفانه بودن را بیان میدارد، از جمله: تعداد جمعیت ساکن در کنار آب راه (معبراه) و نیاز اقتصادی که از این لحاظ افغانستان در قبال استفاده آب هلمند از حق بیشتر برخوردار بوده میتواند. مقررات هلنسکی نیز روی تدابیر معقولانه و منصفانه اشاره دارد. مقررات برلین روی مدیریت مشارکتی، پیوسته، جامع و یک پارچه تأکید میکند. به این اساس معاهده ۱۳۵۱ آب دریای هلمند در چارچوب "تیوری حاکمیت محدود و بهره برداری منصفانه" میگنجد.» (از مقاله جناب سیستانی) رود هلمند در داخل افغانستان از تقریباً ۱۱ ولایت عبور میکند و در حدود ۱۰ میلیون شهروند افغان از این رود تأمین آب و سیر آب می شوند، اما در منطقه سیستان و بلوچستان ایران در حواشی رود هلمند چیزی بیشتر از ۶۰۰ هزار انسان زندگی میکنند، طول رود هیرمند ۱۳۵۰ کیلومتر تخمین و سنجش شده است.

ماده نهم طریق حل اختلافات:

۱- مذاکرات دیپلماتیک

۲- مساعی جمیله مرجع ثالث

۳- رجوع به حاکمیت (بر اساس پروتوکول شماره دوی ضمیمه معاهده)

اخیراً بحران از این جا آغاز شد که در افغانستان به علت دوره های طویل انحطاط و بی ثباتی متواتر در طی بیش از چهل سال، جانب ایرانی آب "بدون بازخواست" دریای هلمند را به اندازه خیلی ها زیاد از مقدار تعیین شده در معاهده دریافت میکرده است، زیرا رژیم های سیاسی حاکم در افغانستان با بی میلی توجهی به منافع ملی کشور و به مواظبت از منابع طبیعی بالخاصه منابع آبی آن نداشتند و اقدامی در این زمینه ها نه کردند، یا گروه های تنظیمی چپاول گر که به جان هم افتادند در فکر و پلان شان حمایت و نگهداری از منابع طبیعی کشور هم نبوده است. جانب ایران با استفاده

از این وضعیت آب دریای هلمند را چنان به مقدار زیادی به دست می آورد که حتی برای ذخیره نمودن آن دست به حفر و ساختن "چاه نیمه" یا گودال های مصنوعی می زده است.

در معاهده تذکر رفته که ایران آب رود هلمند را برای امور زراعتی زارعان سیستان دریافت میکند ولی ایران در عمل خلاف این تعهد اقدام نموده است.

در این اواخر که به علت تغییرات متیولوژیک یا تغییرات محیط زیستی، خشک سالی های پیهم تقریباً تمام دنیا به وضعیت های ناهنجار مانند افزایش درجه حرارت، تبخیر زیاد آب ها، کاهش مدهش بارندگی ها و... مواجه گردیده است. حاکمیت های کشور با توجه به آب دریا ها، جلو سرازیری آب های اضافی را به جانب ایرانی گرفتند، از نظر ایران اینک یک بار دیگر موضوع حالت "بحران" را به خود گرفته است.

حال باید دید ایران در سال های قبلی چه مقدار آب دریافت کرده و چه اندازه آن بیشتر از اندازه تعهد شده در معاهده بوده است.

معاهده مقدار آب برای ایران را بیش از ۸۰۰ میلیون و چند صد هزار متر مکعب در حالت نورمال، در سال، پیش بینی نموده است، این مقدار "نورمال" آب در معاهده تعریف شده است، البته آب سنج ها، در برخی از نقاط مسیر عبوری آب نصب است، دستگاه آب سنج در خروجی بند کجکی موجود بوده و در رود هلمند و سیستان نیز آب سنج وجود دارد در رود پریان که از آن آب به هامون ها می رود نیز آب سنج نصب گردیده است که آب عبوری همه این آب سنج ها محاسبه می شود.

طوری که کارشناس افغان (جناب نجیب آقا فهیم) می گوید در جریان سال های بی ثباتی و هرج و مرج و نظام های ایدیولوژیست در افغانستان، توجهی به منابع آبی و مواظبت از آنها یا صورت نمی گرفت و یا طور باید این مواظبت به عمل نمی آمد، چنانچه طوریکه آب سنج ها (میترا ها) نشان میدهد، ایران چند باری حتی بیش از یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون متر مکعب آب در سال از دریای هیرمند دریافت کرده است، انگار جانب ایران به اضافه خواهی و دریافت اضافی و بیشتر و اضافه تر از مقدار مندرج در معاهده عادت کرده باشد.

در حالیکه بر اساس متن معاهده مورد نظر مقدار آبی که جانب ایران از رود هیرمند حق دریافت دارد ۲۶ متر مکعب در ثانیه و بیش از هشتصد میلیون و چند صد هزار متر مکعب در سال محاسبه شده است.

اما در ماه فبروری ۲۰۱۹ از قول جناب نجیب آقا فهیم سابق وزیر دولت در امور ضد حوادث جمهوری اسبق افغانستان چنین می شنویم که: در یکی از گزارش های مجلس شورای اسلامی ایران

صریحاً درج شده است که سالانه جانب ایرانی بیشتر از یک میلیارد و شش صد میلیون متر مکعب آب از رود هیرمند دریافت میکنند که متناسب به نیاز منطقه خوانده نه شده و ناکافی گفته شده است ؛ این مقدار درست دو چند و یا دوبرابر مقدار تعهد شده در معاهده می باشد.

یکی از گودال ها (چاه نیمه ها) کنده شده توسط ایرانی ها (به قول فهیم) در حدود بیش از یک میلیارد و چهارصد میلیون متر مکعب ظرفیت دارد که ایران آب ذخیره شده آنرا به سایر استان ها (ولایات) ایران مثل زاهدان و ولایات دیگر آن ارسال می کرده است.

جناب کانديد اکادميسين سيستاني مي نويسند: « متأسفانه با کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ و سپس تجاوز اتحاد شوروی بر افغانستان بحران جنگ و نا امنی در کشور آغاز و مانع آن گردید تا افغانستان بتواند از ثروتهای طبیعی و صنعتی کشور منجمله پروژه های آبیاری خود بدرستی مدیریت کند و بالنتیجه ایران با استفاده از این وضعیت ناگوار با نصب ده ها پایه و اترپمپ های بزرگ بر رودخانه هلمند (در فاصله بین بند کمال خان و بند کوهک) سالانه از ۲/۵ تا ۳، میلیارد متر مکعب آب از رودخانه هلمند آب کشیده و توسط نهر جریکه به چاه نیمه های زابل ذخیره کرده می رود که هر یک از این چاه نیمه ها بمقدار ۸۰۰ تا ۸۲۰ میلیون متر مکعب آب ظرفیت دارند. دولت ایران بجای توزیع آب به مردم سیستان، آب را توسط لوله های بزرگ بطول ۲۲۰ کیلومتر به شهر زاهدان مرکز بلوچستان ایران انتقال میدهد و به قیمت گزاف بر مردم آن شهر بفروش می رساند و در نظر دارد این آب را به استان (ولایت) کرمان نیز انتقال دهد که این کار خلاف متن معاهده آب هلمند است .»

ایشان باز می نویسند که : « همین اکنون در سیستان چهار گودال ذخیره آب بنام «چاه نیمه های زابل» وجود دارد که هر یک ظرفیت ذخیره نزدیک به یک میلیارد متر مکعب آب را دارد. اما دولت ایران این آب را به اهالی سیستان کم توزیع میکند و بیشتر آن را به شهر زاهدان مرکز استان (ولایت) بلوچستان توسط لوله انتقال میدهد و به باشندگان شهر زاهدان بفروش می رساند در حالی که این آب را از افغانستان مفت و مجانی بدست می آورد .

ایران افزون بر گرفتن ۲۶ متر مکعب آب در ثانیه از رود هیرمند از محل نخستین پایه سرحدی که وارد رود هیرمند میشود (پایه ۵۱) تا پایه ۵۲ و ۵۳ سرحدی (که گفته میشود پایه های ۵۱ تا ۵۳ را از میان برده اند) با نصب ۷۰ تا ۸۰ پایه و اترپمپ ۸-۱۶ انچه بر رود هیرمند (از بند کمالخان تا بند کوهک) ، سالانه از ۳ تا ۳'۵ میلیارد متر مکعب آب از رود هیرمند بالا میکشد و در چاه نیمه های زابل ذخیره میکند. ولی مردم تشنه سیستان را با اخطار به طالبان پشت نخود سیاه میفرستد.»

از قول آقای فهیم ، هامون ها نیز متعلق به هر دو کشور می باشد در حالیکه جانب ایران آب های آن را طور دیگری محاسبه میکند؛ آب های هامون هلمند، هامون صابری و یک هامون دیگر همه به هر دو طرف تعلق دارد و هامون گودزره به صورت کامل ملکیت افغانستان است. به این ترتیب تقریباً یک سوم هامون ها ملکیت افغان ها می باشد. این توضیحات آقای فهیم در حضور کار شناس ایرانی ایضاح گردیده است.

اما جانب ایران تحولات اوضاع و شرایط - مخصوصاً تغییرات مهیب محیط زیستی - را در نظر نمی گیرد، در حالیکه تمام جهان - حتی متخصصان امور محیط زیستی خود ایران - صریحاً به آن اعتراف دارند؛ کار شناس ایرانی از ناروی جناب "ناصر کرمی" به تکرار تأیید میکند که سه ولایت افغانستان که در مسیر دریای هلمند قرار دارند در سه دههٔ اخیر با خشک سالی های مهیبی دست و پنجه نرم میکنند، این ولایات قندهار، فراه، و نیمروز یاد شده است، البته ولایات همجوار آن نیز به اثر کاهش فاحش آب درد خشک سالی را کشیده میروند.

سیاوش اردلان پژوهشگر امور آسیب های طبیعی نشرات فارسی بی بی سی بعد از تحقیقات می گوید که در سی سال اخیر تقریباً نیمی از دریاچه ها و هامون ها خشکیده اند که مثال آن دریای اورال در آسیای مرکزی، هامونی در امریکای لاتین و نیز کم آب شدن هامون ها در سیستان و ایران می باشد و اخیراً سیارهٔ ما به ده ها میلیارد متر مکعب آب را به دلیل گرمایش زمین و تغییرات متولوژیک از دست داده است.

جناب سیستانی نیز در مقالهٔ تحقیقی خود متذکر شده اند که دریای هلمند در هر بیست سال یک بار خشک سالی ضرر آوری را تجربه کرده است:

«کمسیون بیطرف دلتای هیرمند، در یادداشت شماره ۹۴ خود گزارش میدهد که در سال ۱۸۷۱ بعد از چهار برجک، برای چهل روز آب از رودخانه هیرمند عبور نکرده بود .

در سال ۱۹۰۱ رودخانه هیرمند پایانتز از "رودبار" که از بند کمال خان پنجاه میل بالاتر واقع شده، برای سه ماه خشک بود. در سال ۱۹۰۵ که سیلابهای بهاری بسیار کم بود، در وقت شدت گرما همان سال، آب دریای هیرمند از "نهر نادعلی" و "رود پریان" برای دو ماه نگذشته بود و همچنان قرار معلومات اهالی نیمروز در سال ۱۹۴۷ (۱۳۲۶) رودخانهٔ هیرمند طوری خشک گردید که مردم در منطقه "میان کنگی" سیستان برای آب نوشیدن خود در بستر رودخانه هیر مند چاه حفر می کردند .

در سال ۱۹۷۱ با وجود موجودیت بند کجکی باز هم قلت شدید آب در منطقه سفلی هیرمند محسوس بود. و این خشکسالی سبب شد تا نیم میلیون انسان افغانستان از اثر قحطی و گرسنگی تلف شوند. از گزارش کمیسیون بیطرف دلتای هیرمند بر می آید که رودخانه هیرمند در طول یکصد سال از ۱۸۷۲ تا ۱۹۷۲ پنج مرتبه دچار خشک سالی شده است و از این دور مصیبت بار استنباط میگردد که هر ۲۰ سال یک بار باید منتظر خشک سالی در منطقه دلتای هیرمند باشیم...»

رشد طبیعی و ازدیاد نفوس، توسعه منطقه از لحاظ نیازمندی های اولیه بشری، گسترش ساحات زراعتی، به منظور حصول مایحتاج حیاتی نفوس منطقه، استفاده بعضی امور صنعتی و... در نهایت، نیاز باشندگان حواشی رود هلمند در افغانستان را به مراتب افزایش داده است که ناگزیر برای تأمین نیاز های شان باید به مسایل نگاه وسیعی داشت.

در مورد استفاده سوء و سوی مدیریت آب هلمند از جانب ایران باید گفت، همه به شمول کارشناسان ایرانی به سوی مدیریت و یا مدیریت نادرست و غیر معیاری آب هلمند از طرف ایران را تأیید میکنند؛ خانم اعظم بهرامی کارشناس ایرانی در امور محیط زیستی مقیم ایتالیه نیز اعتراف دارد که مدیریت آب در ایران مناسب و صحیح نمی باشد.

به تأیید کارشناسان ایرانی و توضیح جناب نجیب آقا فهیم -ایران دست به ساخت هامون های مصنوعی زده و آب را در آن نگه داری میکرده است در حالیکه در این هامون های مصنوعی از یک سو مقدار آب، جذب زمین شده و به هدر رفته و مقداری هم تبخیر میگردد است. ایران در کشور خود بیش از پنجم سد آبی اعمار کرده و بالای شاخه های دریای هریرود که در ایران است بیش از ده سد اعمار نموده است، چرا افغانستان چنین حقی را نداشته باشد. گفته شده است که ده فیصد آب هیرمند به ایران میریزد.

در سال های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ ولایات هلمند، فراه، نیمروز، قندهار و حواشی سخت با خشک سالی دست به گریبان بوده اند، که این کاهش و بندش آب به دلایل کم آبی، فقدان بارندگی کافی، تغییر مسیر دریا به سبب آب خیزی و سیل پدید می آمده است. این عوامل به اضافه سوی استفاده و استفاده آزمندانه و غیر معیاری و نامناسب از آب دریای هلمند از سوی جانب ایرانی. وضع فعلی را به وجود آورده است.

شاخص تعیین مقدار آب قابل دریافت از سوی ایران نه مقیاس مندرج معاهده، بلکه مقیاس سنجش آب "آب مورد نیاز" آنها مطمع نظر شان می باشد چنین شاخصی بدون شک مبنای حرص و آز دارد، افغانستان نمی تواند آب مورد نیاز مردم خود را به کام حرص و آز ایران بریزاند.

مسیری که آب رود هلمند با بند کمال خان طی می نماید به صد ها کیلو متر بوده که راه ها ریگزار و با آفتاب داغ همراه می باشد، تغییرات میتئولوژیک هنوز این متغیر را بیشتر آسیب گذار ساخته است و مقدار زیاد آب یا تبخیر می شود و یا جذب ریگزار ها میگردد،

ایران و ترکمنستان در داخل ایران - بدون مشوره با افغانستان - بالای دریای هریرود سد اعمار کرده اند، در حالیکه در بالا دست هریرود افغانستان است که باید در مورد اعمار سد مذکور بالای هریرود در خاک ایران با افغان ها تماس گرفته شده و مشوره می گردید. بند سلما بالای هریرود اعمار شده است کار ساختمان بند سلما پنجاه و پنج سال قبل آغاز شده و چهل فیصد آن تکمیل شده بود که کودتای منحوس ثور به وقوع پیوست و کار بند سلما متوقف گردید که اخیراً (تقریباً هفده سال قبل) مجدداً آغاز و ادامه یافت.

موضوعات مربوط به دریا های هریرود و فراه رود تابع معاهده آب هلمند نمی باشد، بناءً از اینکه سد ساخته شده ایران و ترکمنستان در خاک ایران - بدون مشوره با جانب افغانها اعمار گردیده، مسئولیتی را ناظر بر اعمار بند سلما متوجه افغانستان نمی سازد. به همین ترتیب افتتاح کار بند بخش آباد بالای فراه رود نیز تمثیلی از تحقق حق حاکمیت افغان ها را خاطر نشان می سازد.

بر طبق مندرجات صریح ماده پنجم قرارداد هرگونه استفاده از آب و اعمار هر نوع سد ها بالای مسیر دریا های خود از حق مسلم حاکمیت ملی بر منابع و اراضی خود افغان ها می باشد.

هیچ و هیچ تصمیم و اقدامی که منافی حق حاکمیت و سلطه مردم افغانستان بر اراضی و منابع طبیعی کشور شان باشد، همسایگان نباید چنین رویه ای را از افغان ها توقع داشته باشند، حق حاکمیت بر منابع طبیعی و ساحه ارضی افغانستان جداً محترم شمرده شود، افغان ها حق مسلم دارند که از منابع آبی خود به هر صورتی که خواسته باشند و به منفعت ملی شان باشد، استفاده نمایند، این حقیقت در معاهده مورد بحث نیز صراحت دارد.

متن معاهده و مذاکرات و مفاهمه ها و تفسیر مواد معاهده نباید به سلطه افغان ها بر دارایی های طبیعی و منابع شان خدشه وارد کند.

دولت و حاکمیت های افغانستان مسئولیت حراست و حفاظت از تمام ثروت های مادی و معنوی کشور را بر عهده دارند.

در مباحث و مفاهمه، حسن نیت و درک متقابل از مسئولیت ها و تغییر اوضاع محیط زیستی و شرایط باید در نظر گرفته شود.

ابراز نظر های غیر واقعی، شتابزده و گاهی تحریک آمیز، به عوض آنکه موضوع را ساده و سهل بسازد، به پیچیدگی آن خواهد افزود.

باید از متخصصان رشته های مربوط برای تدوین، تکمیل و تقویۀ موقف افغانستان در قبال حفاظت از منابع آبی، - بدون در نظر داشت افکار سیاسی شان- استمداد گردد.

در شرایط کنونی معاهده تآریخی ۲۲ حوت سال ۱۳۵۱ ه ش اساس و محک حقوق طرفین و تثبیت واقعیت های مربوط می باشد.

آرزومندی وجود دارد که روزی بر دریای خروشان گنر نیز سدی با ثمرات وسیعی اعمار گردد و آب های ارزشمند ما به وسیله آن محار شود و آرمان مردم ما در این گوشه کشور نیز تحقق یابد.

پایان

مأخذ:

- ۱- مقالات پژوهشی کاندید اکادمیسین جناب اعظم سیستانی
- ۲- مقالات محترم داکتر سید عبدالله کاظم
- ۳- مقاله محترم فردوس در روزنامه هشت صبح
- ۴- اصل معاهده راجع به آب هلمند
- ۵- اخبار مؤثق در باره موضوع
- ۶- کتب، مقالات و روز نامه ها مربوط موضوع